بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان - 15 /مهر/ 1394

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین.

خیلی خوش‌آمدید عزیزان من، برادران عزیز، خواهران عزیز، خانواده‌های محترم! چهره‌های مصمّم و حاکی از عزم و اراده و ایمان که اینها همه ثروتهای بزرگ ملّی است ؛ هم این انسانهای مؤمن، هم انگیزه‌ها و دلهای مستحکم. هیچ ثروتی در هیچ کشوری به اندازه‌ی ثروت عظیم نیروی انسانی لایق و کارآمد متصوّر نیست. این ایّام هم ایّام مهمّی است ؛ هم یادبود حادثه‌ی عجیب مباهله، هم نزول سوره‌ی هل‌اتی، هم نزدیکی ایّام محرّم، هم از لحاظ وضعیّت منطقه و حسّاسیّت حوادثی که در منطقه در جریان است، روزهای مهمّی است ؛ برهه‌ی مهمّی است.

درباره‌ی نیروی دریایی سپاه آنچه مهم است، حضور فرزندان انقلاب و نیروهای انقلاب در دریا است ؛ این خیلی نقطه‌ی اساسی و مهمّی است. امنیّت، زیرساخت همه‌ی پیشرفتهای یک ملّت است. اگر امنیّت نباشد، نه اقتصاد هست، نه فرهنگ هست، نه سعادت شخصی و نه سعادت عمومی مردم اجتماع هست. امنیّت دریا برای کشورهایی که سواحل دریایی دارند از جهاتی مهم‌تر است ؛ چون دریا یک وسیله‌ی ارتباطی عمومی بین‌المللی است. حضور قدرتها، حضور ملّتها در دریا یک حادثه‌ی استثنائی محسوب نمیشود، یک امر رایج و دایری است. اگر کشوری که همسایه‌ی دریا است و ساحل دریایی دارد، نتواند دریا را در مجاورت خود امنیّت ببخشد، در واقع ارکان امنیّت داخلی خود را نتوانسته است بسازد. لذا امنیّت دریا خیلی مهم است. خب، جوانهای ما بحمدالله در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این زمینه‌ها کار کردند ؛ کارهای برجسته و باارزشی انجام دادند. نباید اینها در تاریخ حسّاس بعد از انقلاب نادیده گرفته بشود.

همین حالا حضور خانواده‌های محترم در منطقه‌ی جنوب یکی از آن کارهای بزرگ و مجاهدت‌آمیز است. من لازم است این را در حضور خانواده‌های محترم عرض بکنم. اینکه نیروی دریایی سپاه استقرار خود را در بندرعبّاس و در سواحل و در مناطق دشوار قرار بدهد و خانواده‌ها بروند آنجا و این سختی‌ها را تحمّل کنند، خیلی با ارزش است. این چیزی نیست که انسان از آن به آسانی بگذرد.

خود منطقه‌ی جنوب، استان بوشهر، بندرعبّاس، این مناطقی که در معرض حوادث دریایی است، در طول سالهای انقلاب امتحانهای خوبی دادند. خب، اوایل در دریا حضور انقلاب چندان محسوس نبود ولی بعد پای فرزندان انقلاب و پرورش‌یافتگان انقلاب و جوانهای انقلاب به این منطقه باز شد و اوضاع عوض شد. وقتی زمینه فراهم شد، مردم

منطقه، جوانهای منطقه، انگیزه‌های جوشانی که در منطقه وجود داشت، همه در خطّ صحیح قرار گرفت. آن وقت شما می‌بینید مثلاً در منطقه‌ی بوشهر یک شهید برجسته و بزرگواری مثل شهید نادر مهدوی به‌وجود می‌آید که به نظر آدمهایی که دل به مسائل مربوط به شهادت و جهاد و مانند اینها دارند، این‌جور چهره‌ها، امثال نادر مهدوی و آنهایی که همراه او بودند، آن کسانی که آن کارهای بزرگ را انجام دادند، برق چشم گرفتند از دشمن ؛ آبرو دادند به ملّت ایران و قدرت نظام اسلامی را و جمهوری اسلامی را به رخ دشمن کشیدند ؛ اینها باید یادشان زنده بماند. اینها باید در تاریخ مکتوب و تاریخ شفاهی نامشان و یادشان برجسته شود ؛ همچنان که دشمنی‌های دشمنان هم بایستی شناخته بشود.

اینکه در منطقه‌ی خلیج فارس سعی همه‌ی کسانی که از این موجود منحوس و شوم، یعنی صدّام، حمایت میکردند و دفاع میکردند، همین‌هایی که مدّعی حقوق بشرند، همین‌هایی که بعدها در مقابل صدّام خودشان صف‌آرایی کردند -که اینها سالهای متمادی به او کمک کردند در مقابل جمهوری اسلامی- سعی‌شان این بود که خلیج فارس را برای جمهوری اسلامی ناامن کنند. این اهمّیّت امنیّت خلیج فارس را نشان میدهد. نشان میدهد که چقدر این امنیّت مهم است که دشمنی آنها با این هدف بود که این منطقه را برای ایران که بیشترین ساحل را در این منطقه‌ی آبی دارد -خلیج فارس و دریای عمان- ناامن کنند.

حضور جوانهای انقلابی و سپاه پاسداران و نیروی دریایی و تشکیل این نیرو و ورود در عرصه، موجب شد که دریا برای خود آنها ناامن شد. به ناوشان صدمه خورد، به بالگردشان صدمه خورد، به نفت‌کش‌شان صدمه خورد ؛ فهمیدند جمهوری اسلامی آن موجودی نیست که بتوانند با سرنوشت او هرجور میخواهند بازی کنند ؛ این اقتدار معنوی نظام جمهوری اسلامی است. اینکه قرآن به ما امر میکند: وَ اَعِدّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعتُم مِّن قُوَّةٍ وَ مِن رِّباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّکُم، (۱) بایست حضور شما، وضعیّت شما، حرکت شما جوری باشد که دشمن را دچار رعب کند. دشمن متجاوز بالطّبع است ؛ طبیعت جهان‌خواران تجاوز است، جلو آمدن است، تصرّف است، پنجه انداختن است، طبیعت اینها است ؛ اگر خاک‌ریز شما قابل نفوذ باشد، نفوذ میکند ؛ باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمیتواند نفوذ کند. تشکیل جبهه‌ی انقلابی در جنوب کشور و حضور نیروهای انقلاب در قالب نیروی دریایی سپاه و بچّه‌های استانهای ساحلی -این جوانهای شجاع، این جوانهای دل‌به‌دنیا نداده- موجب شد که این هدف قرآنی حاصل بشود: تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّکُم ؛ این باید همیشه استمرار داشته باشد. بارها ما گفته‌ایم که ما شروع‌کننده‌ی جنگ نخواهیم بود ؛ دلایل خودمان را داریم برای این کار ؛ هیچ جنگی را ما شروع نمیکنیم امّا باید جرئت شروع جنگ را از دشمن گرفت، دشمن را باید شناخت، طبیعت دشمن را باید شناخت.

امروز دستگاه‌های استکباری در این منطقه هدفهای خطرناکی را برای خودشان تعریف کرده‌اند ؛ اینها هدفهایی است که با سرنوشت ملّتها سروکار پیدا میکند. ابزارهایی هم که به کار میگیرند، ابزارهای بسیار خطرناک و غیر انسانی و سبعانه است ؛ یعنی هیچ اباء ندارند روشهایی را به کار بگیرند که انسانهای بی‌گناه کشته بشوند. شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی غربی ما، در عراق، در سوریه یا در منطقه‌ی شرقی ما، در افغانستان، در پاکستان چه میکنند؟ هیچ ابائی ندارند، یعنی جان انسانها برایشان ارزشی ندارد. اینکه ادّعا میکنند حقوق بشر و حقوق انسانها و حقوق شهروندی و از

این ادّعاها و قالبهای پوچ و بی‌محتوا، همه خلاف واقع است ؛ شاهدش همین است که ملاحظه میکنید ؛ به بیمارستان حمله میکنند، ده‌ها نفر بیمار را با بمباران به قتل میرسانند، بعد میگویند ببخشید اشتباه شد! گاهی همین ببخشید را هم نمیگویند. در غزّه، در یمن، در بحرین، در سوریه، در عراق، در مناطق دیگر فجایعی اتفاق می‌افتد که انسان حیرت میکند از بی‌رحمی و سنگدلی آن کسانی که این فجایع را انجام میدهند ؛ چطور میتوانند؟ یک آدمی را داخل قفس کنند، زنده زنده بسوزانند و آتش بزنند! دستگاه‌های حقوق بشری هم بنشینند و تماشا کنند. آن‌وقت یک سگی یا یک گربه‌ای وقتی داخل چاه می‌افتد، همه‌ی ابزارها را به کار میگیرند که این را از داخل چاه سالم بیرون بیاورند، یعنی ما طرف‌دار موجود زنده‌ایم ؛ خطر بزرگ دنیا این ریاکاری است، این دروغ‌گویی است، این نفاق است ؛ دشمن، این[طور] است. قصدشان این است که در منطقه اهداف خود را پیاده کنند ؛ البتّه جمهوری اسلامی، به توفیق الهی و به حول‌وقوّه‌ی الهی، نه فقط مانع نفوذ دشمن در درون خود میشود، [بلکه] تا حدود زیادی مانع پیاده کردن نقشه‌های دشمن در منطقه هم شده است ؛ این توفیق پروردگار است، این قدرت الهی است که به برکت همین عزمها و اراده‌هایی است که شما جوانها دارید. خیلی از نقشه‌های اینها به‌خاطر اقتدار و حضور و ورود جمهوری اسلامی در آن جاهایی که باید وارد میشده، ناکام مانده، خنثی شده است ؛ لذا خب، بیشترین تمرکز آنها برای دشمنی، نظام جمهوری اسلامی است و هر کار بتوانند [میکنند] و این هم که دم از مذاکره و گفتگو میزنند، برای نفوذ است.

یک عدّه‌ای در قضیّه‌ی مذاکره و مسئله‌ی مذاکره سهل‌انگاری میکنند، سهل‌اندیشی میکنند، مطلب را درست نمیفهمند. حالا بعضی‌ها بی‌خیالند -بی‌خیالان جامعه، که هرچه پیش بیاید برایشان اهمّیّتی ندارد، مصالح کشور از بین برود، منافع ملّی نابود بشود- که حالا با آنها کاری نداریم امّا بعضی بی‌خیال هم نیستند لکن سهل‌اندیشند، عمق مسائل را نمیفهمند. وقتی صحبت مذاکره میشود، میگویند آقا شما چرا با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفت میکنید؟ خب امیرالمؤمنین هم مذاکره کرد با فلان‌کس، امام حسین هم مذاکره [کرد]. خب اینها نشان‌دهنده‌ی سهل‌اندیشی است، نشان‌دهنده‌ی نرسیدن به عمق مسئله است. این‌جور نمیشود مسائل کشور را تحلیل کرد ؛ با این نگاه عامیانه و ساده‌اندیشانه نمیشود به مصالح کشور رسید. اوّلاً امیرالمؤمنین که با زبیر یا امام حسین که با ابن‌سعد حرف میزند، او را نصیحت میکند ؛ بحث مذاکره‌ی به معنای امروزی نیست ؛ مذاکره‌ی امروزی یعنی معامله، یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر. امیرالمؤمنین با زبیر معامله میکرد که یک چیزی بده، یک چیزی بگیر؟ امام حسین با ابن‌سعد معامله میکرد که یک چیزی بده یا یک چیزی بگیر؟ [هدف] این بود؟ تاریخ را این‌جور میفهمید؟ زندگی ائمّه را این‌جور تحلیل میکنید؟ امام حسین رفت نهیب زد، نصیحت کرد، گفت از خدا بترس ؛ امیرالمؤمنین زبیر را نصیحت کرد، خاطره‌ی زمان پیغمبر را یادش آورد، و گفت از خدا بترس ؛ اتّفاقاً اثر هم کرد، زبیر خودش را از جنگ کنار کشید. امروز مذاکره به این معنا نیست ؛ برای اینکه ما با آمریکا که شیطان بزرگ است، باید مذاکره کنیم یک عدّه‌ای واقعاً با نگاه سهل‌اندیشانه و عوامانه و بدون فهمِ حقیقتِ حال مثال می‌آورند و در روزنامه مینویسند، در سایت مینویسند و در سخنرانی میگویند که چرا امیرالمؤمنین با زبیر مذاکره کرد، شما با آمریکا مذاکره نمیکنید؟ یعنی این‌قدر اشتباه در فهم مسئله [وجود دارد]. این که حالا به این معنا مذاکره نبود.

ثانیاً ما با مذاکره‌ی با همان معنای امروزی مخالفتی نداریم ؛ ما الان با همه‌ی دنیا داریم مذاکره میکنیم. ما با دولتهای اروپایی مذاکره میکنیم، با دولتهای آمریکای لاتین [مذاکره میکنیم] ؛ همه‌ی اینها مذاکره است ؛ ما با مذاکره مسئله‌ای نداریم. معنای اینکه میگوییم با آمریکا مذاکره نمیکنیم این نیست که با اصل مذاکره مخالفیم ؛ نه،

با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفیم. این یک علّتی دارد، این را انسان هوشمند باید بفهمد که چرا ؛ والّا با دیگران هم که مذاکره میکنیم، آن‌چنان دوستان یقه‌چاک ما که نیستند -بعضی از آنها دشمنند، بعضی بی‌تفاوتند، با آنها مذاکره میکنیم مشکلی هم نداریم- امّا مذاکره‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ ؛ تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها میخواهند راه را برای تحمیل باز کنند. امروز غول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت آمریکا است ؛ امروز جریان صهیونیستیِ بشدّت دشمن بشریّت و دشمن فضیلت، با آمریکا، هر دو در یک لباسند، دستشان از یک آستین می‌آید بیرون و با هم هستند. مذاکره‌ی با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی فرهنگی، هم در زمینه‌های سیاسی و امنیّتیِ کشور نفوذ کنند.

در همین مذاکرات مربوط به مسائل انرژی هسته‌ای، هرجا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد -که البتّه طرفهای ایرانی بحمدالله حواسشان جمع بود امّا یک جاهایی بالاخره آنها فرصتهایی پیدا کردند- یک نفوذی کردند، یک حرکت مضرّ برای منافع ملّی انجام دادند ؛ آنچه ممنوع است این است. مذاکره‌ی با آمریکا ممنوع است به‌خاطر ضررهای بی‌شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد ؛ این فرق میکند با مذاکره با فلان دولتی که نه چنین امکاناتی دارد، نه چنان انگیزه‌ای دارد ؛ اینها با همدیگر متفاوت است، این را نمیفهمند.

مشکل کنونی کشور متأسّفانه به‌خاطر وجود آدمهای بعضاً بی‌خیال و بعضاً سهل‌اندیش [است] که البتّه معدودند، اقلیّتند ؛ در مقابل انبوه عظیم جمعیّت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند امّا فعّالند: مینویسند، میگویند، تکرار میکنند ؛ تکرار میکنند! دشمن هم به اینها کمک میکند. امروز یک فصل مهمّی از فعّالیّت دشمنان جمهوری اسلامی -که البتّه ما از آنها اطّلاع داریم و حواس ما هست که چه‌کار دارند میکنند- همین است که محاسبات مسئولین را تغییر بدهند و افکار مردم را دست‌کاری بکنند و اینها را در ذهن جوانهای ما [جا بیندازند] ؛ چه افکار انقلابی، چه افکار دینی، چه ایده‌هایی که مربوط به مصالح کشور است. آماج اصلی هم جوانها هستند ؛ در چنین وضعیّتی، جوانهای کشور خیلی باید بیدار باشند. الحمدالله بیدارند ؛ هم دانشگاه‌های ما بیدارند، هم نیروهای مسلّح ما بیدارند و سازمانهای نظامی ما -هم ارتش، هم سپاه، هم بسیج، هم نیروی انتظامی- بحمدالله پای کارند ؛ بنده از این جهت هیچ نگرانی‌ای ندارم. خطاب من به شما بچّه‌های انقلاب، جوانهای انقلاب که بحمدالله در یکی از مسائل مهمّ کشور، یعنی امنیّت دریا سهیم و فعّال هستید، این مضمون است که اهمّیّت کار خودتان را امروز بفهمید و بدانید. همان‌طور که در مباهله همه‌ی ایمان در مقابل کفر قرار گرفت، امروز، همه‌ی ایمان در نظام جمهوری اسلامی در مقابل کفر قرار گرفته است ؛ و همان‌طور که معنویّت و صفا و اقتدار معنوی پیغمبر اکرم و خانواده‌اش توانست دشمن را از میدان خارج کند، به فضل الهی و به حول‌وقوّه‌ی الهی ملّت ایران با اقتدار خود و با معنویّت خود دشمن را از میدان خارج خواهد کرد.

نقش سپاه پاسداران در دریا نقش مهمّی است، نقش فعّالیّتهای جوانان منطقه‌ی جنوب -استان بوشهر یا بقیّه‌ی استانهای ساحلی- نقش برجسته‌ای است. جوانهای جنوب حقیقتاً امتحان خودشان را داده‌اند و خوب داده‌اند و نشان داده‌اند که میتوانند از حیثیّت کشورشان و انقلابشان و نظامشان به معنای واقعی کلمه دفاع کنند. نقش خانواده‌های محترم و عزیزی که حضور در آن منطقه را پذیرفته‌اند و در آنجا ساکن شده‌اند، نقش بسیار مهمّی است ؛ اگر

خانواده‌ها با مردان خانواده همراه و همدل نباشند کارها پیش نمیرود. امروز خوشبختانه زنان کشور ما، بانوان کشور ما انگیزه‌هایی دارند بسیار روشن، صمیمی، آگاهانه ؛ در همه‌ی دوره‌ی جنگ هم همین‌جور بود. بنده این توفیق را گاهی دارم که با خانواده‌های شهدا بنشینیم، صحبت کنیم ؛ غالباً مادرهای شهدا اگر از پدران شهدا، پرانگیزه‌تر و پرشورتر نباشند، کمتر نیستند و در بسیاری از این موارد انگیزه‌ها و بصیرتهایشان بیشتر هم هست. اینها زنان جامعه‌ی ما هستند ؛ این خیلی برای کشور ارزش محسوب میشود.

آنچه من عرض میکنم این است که آمادگی‌هایتان را افزایش بدهید ؛ هم آمادگیِ علمی را [یعنی] در علم و در تحقیقات، هم آمادگی‌های ابزاری را [یعنی] ابزارهای جنگی. همین‌طور که سردار فرمانده (۲) اشاره کرد، دشمنان در مقابل ابزارهای به‌میدان‌آمده‌ی سپاه پاسداران به فکر افتادند که راهبردهای جنگی خودشان را تغییر بدهند ؛ یعنی حضور همراه با ابتکار سپاه در دریا موجب شد که آنها ناچار باشند که راهبردهای خودشان را تغییر بدهند. بنابراین ابتکارات شما، ابداعات شما، نوآوری‌های شما در مسئله‌ی ابزارها و نوآوری در ابزار به موازات تحرّک دشمن در کار علمی و ابزارسازی و حضور نظامی باید افزایش پیدا کند ؛ و میشود ؛ نوآوریِ ذهن انسان پایان ندارد. همان‌طور که فرض کنید یک روزی سپاه به این نتیجه رسید که دنبال قایقهای تندرو برود، میتواند که به مسائل جدیدی که فراتر از این باشد، بهتر از این باشد، قوی‌تر از این باشد، فکر کند و به میدان بیاورد. دائم به فکر باشید، دست برتر را داشته باشید ؛ ملاک «تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللهِ» (۳) است. دشمن اگر نترسد، تعرّض میکند ؛ اگر نترسد، به خود جرئت میدهد که تجاوز بکند. این هم توصیه‌ی دوّم.

توصیه‌ی سوّم، همکاری است. امروز بحمداللهِ نیروی دریایی ارتش، با نیروی دریایی ارتش در سالهای اوّل انقلاب از زمین تا آسمان تفاوت کرده است، فرق کرده است. بنده، هم آن نیروی دریایی را با جزئیّات می‌شناختم، هم این نیروی دریایی را می‌شناسم ؛ بچّه‌های مؤمن، آماده به کار. همکاری داشته باشید، همدلی داشته باشید، به یکدیگر کمک کنید، از تجربیّات یکدیگر استفاده کنید ؛ این هم‌افزایی، کمک خواهد کرد، این ثروت ملّی را افزایش خواهد داد. اینها عرایض ما است به شما.

بدانید که خدای متعال پشتیبان شما است ؛ در این هیچ تردید نکنید که «اِن تنصُرُوا اللهَ یَنصُرکم». (۴) همّت ما باید این باشد که ان تنصروا الله را تأمین کنیم ؛ خدا را نصرت کنیم. اگر نیّت ما، عمل ما، حرکت ما تطبیق کند با ان تنصروا الله، دنبالش ینصرکم حتماً وجود دارد ؛ وعده‌ی الهی تخلّف‌ناپذیر است. این حرکت را دنبال کنید، این کار را دنبال کنید ؛ این جدیّتها را دنبال کنید ؛ آینده مال شما است. دشمنان اسلام و مسلمین، هم در منطقه‌ی غرب آسیا شکست خواهند خورد، هم در مناطق دیگر ؛ هم در زمینه‌ی امنیّتی و نظامی شکست خواهند خورد، هم به توفیق الهی در زمینه‌های اقتصادی و در زمینه‌های فرهنگی ؛ به شرط اینکه ما کار کنیم. اگر ما پابه‌رکاب باشیم، اگر ما بدرستی و به معنای واقعی کلمه حضور داشته باشیم، پای کار باشیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد ؛ در این هیچ تردیدی وجود ندارد.

از خداوند متعال توفیقات شما را طلب میکنیم، و از خدای متعال میخواهیم که روزبه‌روز ان‌شاءالله بر سعادتمندی شما جوانان عزیز و پیشرفت و اعتلای ملّت ایران بیفزاید ؛ و روح مطهّر امام بزرگوار و شهدای عزیز انقلاب و شهدای مجموعه‌ی سپاه و نیروی دریایی سپاه را ان‌شاءالله درجاتشان را عالی کند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰ ؛ «و هرچه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید ...»
۲) [سردار سرتیپ پاسدار علی فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی]
۳) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰ ؛ «... تا با این [تدارکات] دشمن خدا را بترسانید ...»
۴) سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷ ؛ «... اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان میکند ...»